

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

از: و.انیژ

## افغانستان الگوی دموکراسی امریکائی

### از تحمیل تروریسم تا صدور دموکراسی

#### لویه جرگه اضطراری و حکومت انتقالی

یکی از وظایف حکومت موقت کرزی تدویر لویه جرگه اضطراری بود که از آن طریق بتوانند رئیس دولت انتقالی دوساله را تا انتخابات ریاست جمهوری برگزینند. تدویر این لویه جرگه نیز از کمیدی - تراژیدی های تاریخ افغانستان است. برای تدویر این لویه جرگه کمیسیونی از افراد مطمئن به امریکا و با سازش به ایران، پاکستان و روسیه به وجود آمد که در رأس آن شخص بی کفایتی، صرف به نام قرار گرفت. این کمیسیون با صرف میلیونها دلار پول حتی نتوانست افراد دلخواه مقامات زر و زور را با یک نظم داخل لویه جرگه بسازد. نحوه برگماری افراد شرکت کننده در لویه جرگه، نمایشی از اوج ابتذال و تمسخر "انتخاب" بود. هر قدرتمدار و تفنگ سالاری، هر که را میخواست نماینده محلی معرفی میکرد. چنین نمایندگانی حق داشتند به ملت مظلوم افغانستان سرنوشت و حاکمیت تعیین کنند. رهبران تنظیم های بنیادگرا و ویرانگر جهادی و قومندانان زورمدار شان علی رغم رشوتهای گزافی که از امریکا گرفته بودند هر که را خواستند بدون هیچ گونه پرنسیبی به لویه جرگه فرستادند. در روز تدویر لویه جرگه هم برای کنترل و تسلط بیشتر بر آن بدون کارت و مجوز، عده ای مسلح به زور وارد خیمه لویه جرگه شدند و بر تمام جریان آن مداخله زورگویانه کردند. رئیس نام نهاد لویه جرگه نه توان کنترل و انتظام جلسه را داشت و نه جرئت نظم دادن آنرا. در حضور بنیادگرایان و تفنگسالاران مسلح بی پرنسیب، ترکیب لویه جرگه هرگونه تصور دموکراتیک بودن را از آن ذایل میکرد. عده ای از افراد نیمه مستقل که با استفاده از روابط قومی و یا نفوذ در تنظیمها توانسته بودند وارد لویه جرگه شوند، کوشیدند حد اقل رنگ و روغن دموکراتیک به آن بزنند ولی لویه جرگه چنان در سیاهی تیره ای غرق بود که رنگ دیگری را نمی پذیرفت. از سوی دیگر این افراد نیمه مستقل که در اقلیت ناپیزی بودند تجربه مبارزه در اپوزیسیون را هم نداشتند که به حیث یک فراکسیون مخالف در جرگه موضعگیری میکردند. لذا صدای شان همچنان ناشنیده ماند و یک تجربه ناکام را پشت سر گذاشتند.

فضای لویه جرگه اضطراری به حدی تیره و تاریک بود که با کوچکترین تبارزی از خواستن حق زنان در جامعه، بنیادگرایان فریاد برآوردند. “ اینها کمونیست هستند که فلان کس آنها را به داخل لویه جرگه آورده است. اینها حق صحبت کردن ندارند، جرگه باید فیصله کند که چپی ها دیگر در افغانستان جای ندارند و . . . ” و با چنین هیاهو و غوغائی فضای رعب و ترس را بر جرگه حاکم ساختند. در تداوم همین مسایل بود که دوتن از شناخته ترین بنیادگرایان که در همه ویرانی ها و کشتارهای وطن و هموطنان دست شان دخیل است. پیشنهاد کردند که نام دولت انتقالی را باید “دولت انتقالی اسلامی” بگذاریم و برای رای گیری بر حاضرین فریاد زدند که “هرکس مسلمان است در تائید این مسأله به پا بخیزد” حاضرین در جلسه از ترس اینکه متهم به کفر نشوند، همه به پا خاستند و در پسوند نام دولت انتقالی کلمه “ اسلامی” هم افزوده شد.

برای روشن شدن فضای استبدادی لویه جرگه اضطراری توجه تانرا به نکته جالبی جلب میکنم. میگویند یکی از نمایندگان لویه جرگه اضطراری از وطنداران اهل هنود مابود. وقتی محسنی و سیاف بر جرگه فریاد زدند که “هرکس مسلمان است ایستاده شود” این نماینده هندو هم به پا ایستاد. بعد از جرگه از او پرسیدند که تو چرا ایستاده شدی تو که مسلمان نیستی، گفت :

“برادر آنها قبل از آنکه از من بپرسند که چه دینی دارم مرا به جرم مخالفت با گپ شان میکشند.”

این نمونه از نمایش های مسخره ایست که امریکائیاها در زدوبند با بنیادگرایان افغانستان اجراء میکنند. و نام آنرا دموکراسی میگذارند. از درون چنین نمایشی و بادادن رشوه های گزاف به بنیادگرایان، امریکا کرزی را رئیس “منتخب” دولت انتقالی اسلامی افغانستان ساخت. و کابینه ائتلافی از نمایندگان امپریالیسم و نمایندگان زمینداران بزرگ و ارتجاع به وجود آمد که نمونه تیبیک فساد، رشوت خوری، گروه گرایی، قوم بازی و . . . بود.

این حکومت ائتلافی که وزارتخانه هایش به عنوان غنیمت و رشوت به احزاب بنیادگرا داده شده بود. تقریباً همان ترکیب حکومت موقت را داشت. که طی دو سال حاکمیتش به قول خود کرزی مانعی در راه پیشرفت و بازسازی افغانستان بوده و کرزی آنرا عامل عمده ناکامیش به حساب می آورد. عده ای از وزرایش از سواد کافی برخوردار نبودند. فقط به خاطر تعلق بنیادگرایی و تفنگسالاری شان به پست وزارت رسیده بودند. هدف شان تأمین منافع گروهی و تکیه زدن بر قدرت و جمع کردن پول و سود بیشتر بود که عمدتاً از طریق زورگوئی، رشوت، اختلاس و . . . به دست میآوردند. این حکومت انتقالی نیز مثل حکومت موقت، فقر مردم را بیشتر و فاصله های طبقاتی را عمیقتر ساخت. و نمونه ای بود از جنجال درون کابینه بر سر خورد و بُرد ها و دامن زدن به تفرقه های قومی، محلی، زبانی، مذهبی برای تأمین مقاصد کرسی نشینان. از دستاوردهای این حکومت تقویت بیشتر قومندانهای محلی، کشت بیشتر خشخاش (تریاک) و تعمیق اشغال کشور را میتوان نام برد.

ادامه دارد